

یک تریلی جسد در لندن!

مأموران پلیس انگلیس در شرق لندن از قسمت بار یک خودرو کامیون، اجساد ۳۹ نفر را که به طرز مرموزی به قتل رسیده بودند، کشف کردند. مأموران پلیس انگلیس بامداد چهارشنبه در منطقه صنعتی گریز واقع در استان اسکس در شرق لندن از داخل کامیون پارک شده، اجساد ۳۸ فرد بزرگسال و یک نوجوان را کشف کردند که در جنایتی هولناک به قتل رسیده بودند. پس از اعلام این حادثه هولناک، مأموران پلیس منطقه وسیع در آن حوالی را روی عبور و مرور خودروها بستند که منجر به ترافیک شدید و مشکل تردد شهروندان آن منطقه شد.

بررسی‌های اولیه پلیس حکایت از آن داشت که این کامیون از بلغارستان سفر کرده و روز شنبه از طریق منطقه هولبهد در ولز وارد کشور انگلستان شده است. مأموران پلیس پس از کشف اجساد، راننده ۲۵ ساله کامیون را به عنوان مظنون به قتل بازداشت کردند، اما جزئیات بیشتری از جنایت هولناک منتشر نکردند و فقط اعلام کردند که شناسایی اجساد زمان زیادی می‌برد.

آندرو مارینر، فرمانده پلیس منطقه اسکس به رسانه‌های انگلیس گفت: «این یک حادثه غم‌انگیز است که طی آن افراد زیادی جان



قتل همکلاسی در دعوی کودکانه

مشاجره کودکانه ۲ پسر ۱۱ ساله بر سر موضوعی پیش پا افتاده، به قتل یکی از آنها منجر شد. به گزارش «جوان»، ساعت ۱۹:۳۰ شامگاه سه‌شنبه آخرین روز مهرماه قاضی ساسان غلامی، باز پرس ویژه قتل دادرسی‌امور جنایی تهران باتماس تلفنی مأموران کلاstrی ۱۵۶ افسر به‌ار قتل پسر جوانی باخبر کرد و همراه تیمی از کاراگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

نام جنایی در بیمارستان بعثت با جسد پسر ۱۷ ساله‌ای به ترم پرهوز روبه‌رو شد که با اصابت ضربه چاقو به گردنش به

و سال‌ها همکلاسی بودیم تا اینکه دو سال قبل مقول مدرسه‌اش را عوض کرد، اما پس از آن هم‌همیشه‌با هم در ارتباط بودیم، ما همکلاسی‌ها گروه تلگرامی تشکیل داده بودیم و از طریق گروه هم برنامه‌ها و تمرین‌های کلاسی را مرور می‌کردیم و همه با هم از ارتباط دوستانه داشتیم. مدتی بعد مقول و قاتل داخل گروه‌های هم خط و نشان می‌کشیدند و گاهی هم‌مشاجره‌لفظی می‌کردند، اما پس از چند روز دوباره با هم آشتی می‌کردند، آنها امروز پرهوز در گروه تلگرامی به کیوان پیام داد و در نزدیکی شهرک قصر فیروزه با هم قرار گذاشتند تا درباره اختلاف‌شان با هم حرف بزنند. لحظه‌حادثه من و کیوان به نزدیکی شهرک قصر فیروزه رفتم و دقایقی بعد هم پرهوز در حالی که کارڈ آشپزخانه بزرگی در دست داشت به محل آمد. آنها با هم درگیر شدند که پرهوز با چاقو ضربه‌ای به گردن کیوان زد و او غرق در خون روی زمین افتاد. پس از این پرهوز فرار کرد و من هم نتوانستم جلوی او را بگیرم.

تیم جنایی در ادامه راهی خانه پرهوز شد، اما دریافت وی پس از حادثه به مکان نامعلومی گریخته است. به گفته سرهنگ فرهاد واقعی، رئیس کلاstrی ۱۵۶ افسر به در حالی که مأموران در جست‌وجوی قاتل فراری بودند، متهم ساعت ۱:۳۰ بامداد دیروز خودش را به کلاstrی ۱۵۶ افسر به معرفی کرد.

قاتل صبح دیروز در دادرسی‌امور جنایی‌ای با اظهار تیم جنایی در ادامه راهی خانه پرهوز شد، اما دریافت وی پس از حادثه به مکان نامعلومی گریخته است. به گفته سرهنگ فرهاد واقعی، رئیس کلاstrی ۱۵۶ افسر به در حالی که مأموران در جست‌وجوی قاتل فراری بودند، متهم ساعت ۱:۳۰ بامداد دیروز خودش را به کلاstrی ۱۵۶ افسر به معرفی کرد.

قتل رسیده بود. بررسی‌های مأموران حکایت از آن داشت که مقول دو ساعت و ۳۰ دقیقه قبل در نزدیکی شهرک قصر فیروزه در شرق تهران با یکی از همکلاسی‌های دو سال قبلش به نام پرهوز درگیری خونی داشته است که در جریان آن با اصابت ضربه چاقو، پرهوز زخمی می‌شود و پس از انتقال به بیمارستان فوت می‌کند. همچنین مشخص شد در این درگیری لحظه‌حادثه یکی از دوستان مشترک مقول و قاتل شاهد صحنه درگیری بوده است.

به این ترتیب مأموران در نخستین گام از شاهد درگیری تحقیق کردند. او گفت: ما سه نفر، بچه یک محل هستیم

خوبی ندارد و هنوز در شوک حادثه عصر روز سه‌شنبه است، با این حال به سوآلات خبرنگار ما پاسخ می‌دهد. چرا گریه می‌کنی؟ برای بدبختی خودم گریه می‌کنم. چرا بدبخت شدی؟

الان تمام دوستانم سر کلاس درس حاضرند، اما من به جرم قتل یکی از دوستانم دستبند به دستام خورده و نمی‌دانم در آینده چه سرنوشتی در انتظارم است.

وقتی او را دیدم شروع به فحاشی به پدر و مادرم کرد و بعد با من درگیر شد، ابتدا یک مشت به من زد و مرا به عقب هل داد، اما وقتی می‌خواست مشت دوم را بزند برای اینکه او را برترسانم چاقویی که در دست داشتم را به طرفش پرتاب کردم که به گردنش خورد. (گریه می‌کند و بعد از لحظاتی می‌گوید من قصد قتل نداشتم و فقط از ترس با چاقو ضربه زدم)

وقتی همکلاسی بودید با هم اختلاف داشتید؟ بله، سال آخر دبیرستانم. مقول را می‌شناختم؟ بله تا کلاس دهم همکلاسی بودیم که سال یازدهم مدرسه‌اش را عوض کرد.

نه، من اصلا اهل دعاو درگیری نیستم. پسر درس‌خوانی هستم، حتی در این چند سال مبصر کلاس بودم.

پس چرا با هم درگیری پیدا کردید؟

مقول چته‌اش از من درش تر بود و همیشه قلنداری درمی‌آورد و به من زور می‌گفت چندباری پیش دوستانم مرا سسکه یک پول کرد، به همین خاطر با هم مشاجره می‌کردیم و گاهی هم درگیری می‌شدیم که بعد از مدت کوتاهی از ترس با او آشتی می‌کردم، اما آشتی ما زیاد دوام نمی‌آورد دوباره با هم مشاجره می‌کردیم.

شما که دو سال مدرسه‌تان از هم جدا بود، پس چه اختلافی داشتید؟

ما تعدادی از همکلاسی‌ها چند سال قبل گروه تلگرامی تشکیل دادیم که مقول هم عضو آن بود. او در گروه برای من کری می‌خواند و بیشتر هم داخل گروه تلگرامی با هم مشاجره می‌کردیم تا اینکه روز حادثه داخل گروه پیام داد و با من قرار گذاشت تا با هم حرف بزنیم و اختلاف‌مان را حل کنیم.

فکر می‌کردی اگر سر قرار بروی به درگیری ختم می‌شود؟

بله، به همین خاطر به او گفتم حوصله ندارم، اما زنگ زد



و گفت جلوی شهرک محل زندگی‌ام منتظر است. به او گفتم نمی‌آیم که دوباره پیام داد و مرا تهدید کرد که تصمیم گرفتم و به محل قرار رفتم.

چرا با خودت چاقو بردی؟ من ترسیده بودم و برای اینکه او را برترسانم کارڈ آشپزخانه را برداشتم و با خودم بردم.

بعد چه شد؟ وقتی او را دیدم شروع به فحاشی به پدر و مادرم کرد و بعد با من درگیر شد، ابتدا یک مشت به من زد و مرا به عقب هل داد، اما وقتی می‌خواست مشت دوم را بزند برای اینکه او را برترسانم چاقویی که در دست داشتم را به طرفش پرتاب کردم که به گردنش خورد. (گریه می‌کند و بعد از لحظاتی می‌گوید من قصد قتل نداشتم و فقط از ترس با چاقو ضربه زدم)

وقتی همکلاسی بودید با هم اختلاف داشتید؟ بله، سال آخر دبیرستانم. مقول را می‌شناختم؟ بله تا کلاس دهم همکلاسی بودیم که سال یازدهم مدرسه‌اش را عوض کرد.

نه، من اصلا اهل دعاو درگیری نیستم. پسر درس‌خوانی هستم، حتی در این چند سال مبصر کلاس بودم. پس چرا با هم درگیری پیدا کردید؟ مقول چته‌اش از من درش تر بود و همیشه قلنداری درمی‌آورد و به من زور می‌گفت چندباری پیش دوستانم مرا سسکه یک پول کرد، به همین خاطر با هم مشاجره می‌کردیم و گاهی هم درگیری می‌شدیم که بعد از مدت کوتاهی از ترس با او آشتی می‌کردم، اما آشتی ما زیاد دوام نمی‌آورد دوباره با هم مشاجره می‌کردیم.

شما که دو سال مدرسه‌تان از هم جدا بود، پس چه اختلافی داشتید؟ ما تعدادی از همکلاسی‌ها چند سال قبل گروه تلگرامی تشکیل دادیم که مقول هم عضو آن بود. او در گروه برای من کری می‌خواند و بیشتر هم داخل گروه تلگرامی با هم مشاجره می‌کردیم تا اینکه روز حادثه داخل گروه پیام داد و با من قرار گذاشت تا با هم حرف بزنیم و اختلاف‌مان را حل کنیم.

فکر می‌کردی اگر سر قرار بروی به درگیری ختم می‌شود؟

بله، به همین خاطر به او گفتم حوصله ندارم، اما زنگ زد

«جانور خطرناک تهران» محاکمه‌شد

مجرم سابقه‌دار معروف به «جانور خطرناک تهران» که متهم است پس از سرقت شش فقره خودروهای مزدا ۳ و پراید هشت زن جوان را مورد آزار و اذیت قرار داده در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد.

به گزارش جوان، رسیدگی به این پرونده از سال ۹۶ با اعلام گزارش‌های مشابه مبنی بر سرقت چهار دستگاه خودروی پراید و یک دستگاه مزدا ۳ نوکمدادی در کلاstrی ۱۲۶ نهرآپاراس آغاز شد. تلاش‌ها برای شناسایی خودروهای سرقتی ادامه داشت تا اینکه زن جوانی مأموران پلیس را از سرقت خودروی مزدا ۳ سفیدرنگ که متعلق به خواهرش بود، باخبر کرد. او در طرح شکایت خود گفت: «بزرگ هستم و به خاطر مشکلی که داشتم، خواهرم خودرواش را در اختیارم گذاشت تا با آن به مطب رفتم و آمد کنم. امروز قصد رفتن به مطب را داشتم که متوجه سرقت خودروم شدم».

با اعلام این شکایت مأموران به محل حادثه رفتند و در تحقیقات مشخص شد سارق با پارک کردن خودروی مزدا ۳ نوکمدادی که ۱۰ روز قبل اعلام سرقت شده بود این بار خودروی مزدا ۳ سفیدرنگ را سرقت کرده است.

یک هفته از ماجرا گذشت تا اینکه مأموران پلیس توانستند خودروی مزدا ۳ را شناسایی کنند و در یک عملیات تعقیب و گریز سارق را در حالی که سعی داشت با ورود به جمعیت فرار کند، در یک سانحه تصادف با یک دستگاه تاکسی سمند دستگیر کنند.

حمید ۲۵ ساله دارای چند سابقه کیفری از جمله کیفیابی، سرقت، درگیری و حمل مومادر به پلیس آگاهی منتقل شد. او آنجا که احتمال می‌رفت متهم مرتکب جرائم دیگری هم شده باشد، تصویر بدون پوشش متهم به دستور قاضی در رسانه‌های منتشر شد که پس از آن چند زن جوان به اداره پلیس مراجعه و با شناسایی متهم از او به اتهام آزار و اذیت شکایت کردند. متهم نیز پس از مواجهه حضوری با شاکیان به آزار و اذیت زنان جوان با خودروهای سرقتی در مکان‌های خلوت اقرار کرد. در سرانجام وی به اتهام سرقت، آدم‌ربایی، ضرب و شتم و تجاوز به عنف روانه زندان شد و پرونده بعد از صدور کیفرخواست با ۱۴ شاکی به شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. صبح دیروز متهم در همان شعبه به ریاست قاضی کیخواه با حضور سه شاکی محاکمه شد. در ابتدای جلسه یکی از شاکیان که زن ۴۸ ساله بود در جایگاه قرار گرفت و گفت: شب حادثه در خانه یکی از اقوام در خیابان دمانود مهمان بودم. حوالی ساعت ۴ صبح متوجه شدم خودروام که مزدا ۳ نوکمدادی بود، سرقت شده است. ۱۰ روز بعد از طرح شکایت خود راوم مقابل منزل خانم دکتر پیدا شد. به خاطر سرقت و صدمات به خودرو و سرقت اموال داخل خودرو و شکایت دارم.

دومین شاکی که زن ۳۵ ساله بود، گفت: روز حادثه که از مدرسه دخترم به خانه برمی‌گشتم و منتظر ماشین بودم، با توقف اولین خودرو و سوار شدم. خودرو پرآید بود و راننده آن نیز وضعیت ظاهری به هم ریخته و آلوده‌ای داشت. وقتی راننده قصد عوض کرن ندند، را داشت متوجه زخم و تاول روی دستش شدم. همان جا به او شک کردم تا اینکه با تغییر مسیرهای مختلف تصمیم گرفتم از خودرو پیاده شوم، اما او اصرار کرد مرا به مقصد می‌رساند. شاکی در ادامه گفت: متهم

در همان محله زندگی‌ام توقف کرد و سپس به بهانه دنده عقب، صندلی ماشین را خواباند و قصد داشت مرا آزار دهد. هرچه التماس کردم بی‌فایده بود تا اینکه او با یک بیج گوستی مرا تهدید می‌کرد، حاضر بودم بمیرم و مقاومت کردم تا اینکه با شکستن قفل در و لگدائی بی‌دری به متهم خودرو را از ماشین به بیرون پرتاب کردم و نجات یافتم.

سومین شاکی خواهر ۴۸ ساله خانم دکتر بود. وی در طرح شکایتش گفت: خودروام در عملیات تعقیب و گریز پلیس کشف شد و به خاطر شلیک‌های گلوله از سوی پلیس به شدت خسارت دیده است، از متهم شکایت دارم.

در ادامه متهم که معروف به جانور خطرناک تهران است با انکار جرم آدم‌ربایی و تجاوز به عنف فقط سرقت خودروها را اعتراف کرد.

وی در ادامه به سوآلات هیئت قضایی پاسخ داد.

چرا اصرار به سرقت خودروی مزدا ۳ داشتی؟

چون سرقت آنها مثل پرآید راحت است.

با چه وسیله‌ای خودروها را سرقت می‌کردی؟

با تیغ جراحی. وقتی در ایران خودرو کار می‌کردم آنجا یاد رفتم.

شاکیان در مواجهه حضوری تو را شناسایی کرده‌اند و نظر پزشکی قانونی مبنی بر تجاوز مثبت بوده است. با این شواهد چگونه جرم‌ت را انکار می‌کنی؟

من با یکی از شاکیان از قبل آشنا بودم و او با میل خودش با من ارتباط داشت.

دیگر شاکیان دروغ می‌گویند!

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

آگهی ابطال پروانه بهره‌برداری

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند، پروانه بهره‌برداری صنایع کوچک تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی به شماره مجوز تاسیس ۲۲/۲۶۱۰ مورخ ۱۳۸۰/۹/۲۷ به نام آقایان حیدر قنبری طارم‌سری و رجبعلی مسیب زاده واقع در استان گیلان، شهرستان رشت، بخش کوچمهن‌هان روستای رامسر مجوز ابطال می‌گردد.

آگهی فقدان سند مالکیت

خاتم حوریه مداری شه‌رآباد به وکالت از طرف آقای فرزاد فرشید ضمن تسلیم دو برگ استثناساده تصدیق شده اعلام نموده است که سند مالکیت یک سهم مشاع از هفت سهم شادنگ یک قطعه زمین به مساحت ۳۳۸/۵۱ متر مربع قطعه ۱۲ تفکیک به شماره ۱۴۱۳۳ فرعی از ۱۶۱ اصلی مفروز از بالای ۶۴۲۷ متر مربع قطعه ۱۲ تفکیک به شماره ۱۴۱۳۳ فرعی از ۱۶۱ اصلی مفروز از بالای ۶۴۲۷ فرعی از اصلی مذکور واقع در اراضی حوزه ثبتی شهرستان کرج مورد ثبت ۹۸۷۶۳۳ صفحه ۱۲۲ طبله ۲۵۲۱-اصلاک به نام مالک فوق ثبت و صادر و سپس به علت جایجایی مفقود گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است لذا مراتب به یک اصلااحی به ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت دریک نوبت آگهی می‌شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد. بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد مالکیت المثنی مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد.

م‌الغه: ۶۶۲۲/ عباسعلی شوش‌پاشا- رئیس اداره ثبت‌انست و املاک ناحیه یک کرج

آگهی ثبتی

خواهان: بانک قوامین محل اقامت: استان تهران، شهرستان تهران، شهر تهران، میدانی آرژانتین، ابتدای بزرگراه افریقا، برج قوامین خواننده‌ها: ۱.رضای آخشی فرزند عاشور شغل آزاد ادرس: ایلام، فاطمیه، جنب ثانوایی فاضل یاری ۲. عین الله بور جهانگیر فرزند جهانگیر شغل آزاد ادرس: ایلام، خیابان محله، جانبازان خیابان ملک الشعرا کوچه ۱۹ وکیل: دادگستری آدرس: استان ایلام، شهر ایلام، عدالت، میدان شهدا خیابان عدالت پایین تر از دادگستری شهرستان خواسته: مطالبه وجه بابت (صدور حکم به محکومیت تضامنی خوانندگان به پرداخت مبلغ ۱۳/۵۰۰/۰۰۰ ریال بابت قرارداد با دادرسی مستند به دادنامه ۱۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال درصدد رسیدگی به دادنامه به نرخ ۳۶ درصد مطابق قرارداد به مبلغ ۱۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال دلائل و منضمات: ۱. دادخواست به شماره ۱ مورخ ۱۳۹۸/۶/۱۶ برگ‌که حاصل قرارداد شماره ۱۰۰۲۹۴۰ به شماره ۱۰۰۲۹۴۰ مورخ ۱۳۸۲/۸/۱۰ -۲. فرم تفویض اختیار مدیریت به شماره ۳۱۸۴ مورخ ۱۳۹۸/۵/۷ و ۴. وکالت نامه به شماره ۰۸۹۵۱ مورخ ۱۳۹۸/۶/۱۶ پی/۱۳۹ میزان تمیر مالیاتی به مبلغ ۳۰۰/۰۰۰ ریال باطل شد.

ریاست محترم شورای حل اختلاف شهرستان ایلام

احتراما با تقدیم این دادخواست و ضمانت پیوست آن به استحضار می‌رساند بانک قوامین جهت آقای رضا بی آخشی به موجب قرارداد فروش اقساطی ضمیمه اقدام به پرداخت تسهیلات به ایشان نموده است و مقرر گردید که نامبرده اقساط خود را طی ۱۸ قسط متوالی هر ماه پرداخت نماید و در این راستا خوانندگان ضمانت تضامنی وی را جهت انجام تعهدات قرارداد تقبل نموده‌اند حال به لحاظ اینکه مدیون اصلی نسبت به ادای دین اقدامی معمول نداشته و ضامنین نیز علیرغم مراجعات مکرر از ایفای تعهدات خود امتناع نموده لذا با تقدیم این دادخواست مستندا به مفاد قرارداد وفق مقررات مواد ۴۰۳ و ۴۰۴ قانون تجارت و مواد ۱۹۸ و ۵۱۵ و ۵۱۹ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی تقاضای رسیدگی و صدور حکم بر محکومیت تضامنی خوانندگان به پرداخت مبلغ اصل خواسته با احتساب خسارات تاخیر تادیه قراردادی به نرخ ۳۶ درصد و کلیه خسارات مستدعاست.

آگهی ثبتی

خواهان: بانک قوامین محل اقامت: استان تهران، شهرستان تهران، شهر تهران، میدانی آرژانتین، ابتدای بزرگراه افریقا، برج قوامین خواننده‌ها: ۱.عشرف اکبر زاده فرزند رحمان شغل آزاد ادرس: ایلام، جانبازان، کوچه ۱۱-۲. قهرمان اکبر زاده فرزند رحمان شغل آزاد ادرس: ایلام، شهرک هجرت کوچه یازده ۳. حسین جعفری فرزند علی حسن شغل آزاد نشانی ایلام شهرک هجرت کوچه ۱۱ -۴. کرم بیگی فرزند خسرو شغل آزاد نشانی ایلام جالسرا وکیل: مرضیه آقاویسی فرزند منصور وکیل دادگستری آدرس استان ایلام، شهرستان ایلام، میدان شهدا، خیابان عدالت پایین تر از دادگستری شهرستان خواسته: مطالبه وجه بابت (صدور حکم به محکومیت تضامنی خوانندگان به پرداخت ۱۳۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت قرارداد با احتساب کلیه خسارت قانونی هزینه دادرسی و تاخیر تادیه از تاریخ تقدیم دادخواست لغایت تا اجرای کامل دادنامه به نرخ ۲۳ درصد مطابق قرارداد به مبلغ ۱۳۳/۰۰۰/۰۰۰ مطالبه خسارت دادرسی مطالبه خسارت تاخیر تادیه دلائل و منضمات: ۱. برگه دادخواست به شماره ۱ مورخ ۱۳۹۸/۶/۱۷ مورخ ۱۳۹۸/۶/۱۷ قرارداد فروش اقساطی به شماره ۱۰۲۷۲۹۲ مورخ ۱۳۸۶/۳/۹ -۳. فرم تفویض اختیار مدیریت به شماره ۳۸۸۴ مورخ ۱۳۹۸/۵/۷ -۴. وکالت نامه به شماره ۵۹۴۹ مورخ ۱۳۹۸/۶/۱۶ میزان تمیر مالیاتی به مبلغ ۲۲۰/۰۰۰ ریال باطل شد.

ریاست محترم شورای حل اختلاف شهرستان ایلام

احتراما با تقدیم دادخواست و ضمانت پیوست آن به استحضار می‌رساند بانک قوامین جهت آقای علی آشرف اکبر زاده به موجب قرارداد فروش اقساطی ضمیمه اقدام به پرداخت تسهیلات به ایشان نموده است و مقرر گردید که نامبرده اقساط خود را طی ۲۶ قسط متوالی هر ماه پرداخت نماید و در این راستا خوانندگان ضمانت تضامنی وی را جهت انجام تعهدات قرارداد تقبل نموده‌اند حال به لحاظ اینکه مدیون اصلی نسبت به ادای دین اقدامی معمول نداشته و ضامنین علیرغم مراجعات مکرر از ایفای تعهدات خود امتناع نموده لذا با تقدیم این دادخواست مستندا به مفاد قرارداد وفق مقررات مواد ۴۱۳ و ۴۰۴ قانون تجارت و مواد ۱۹۸ و ۵۱۵ و ۵۱۹ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی تقاضای رسیدگی و صدور حکم بر محکومیت تضامنی خوانندگان به پرداخت اصل خواسته با احتساب خسارات تاخیر تادیه قراردادی به نرخ ۲۳ درصد و کلیه خسارات مورد استدعاست.

آگهی ثبتی

خواهان: بانک قوامین به آدرس: استان تهران، شهرستان تهران، شهر تهران، میدانی آرژانتین، ابتدای بزرگراه افریقا، برج قوامین خواننده‌ها: ۱.علی مراد حاتمى فرزند عظیم شغل آزاد ادرس: ایلام، خیابان مصلی، آبارتمان‌های بزرگی ۲. شاهم‌راد رستمی فرزند مردان شغل: آزاد ادرس: استان ایلام، شهرستان ایوان، خیابان معلم، شبکه بهداشت وکیل: مهناز طاهری فرزند جهانگیری شغل: وکیل دادگستری آدرس: استان ایلام، شهر ایلام، عدالت، پایین تر از دادگستری خواسته: مطالبه وجه بابت (صدور حکم به محکومیت تضامنی خوانندگان به پرداخت ۶۵/۱۸۰/۰۰۰ ریال به حروف شصت و پنج میلیون و یکصد و هشتاد هزار ریال و خسارت تاخیر تادیه از تاریخ تقدیم دادخواست لغایت تا اجرای کامل دادنامه به نرخ ۳۴ درصد طبق قرارداد به مبلغ ۶۵/۱۸۰/۰۰۰ ریال دلائل و منضمات: ۱. برگه دادخواست و به شماره ۱ مورخ ۱۳۹۸/۶/۱۷ -۲. قرارداد فروش اقساطی به شماره ۱۰۲۲۷۴۶ مورخ ۱۳۸۵/۵/۳ وکالت نامه به شماره ۵۹۰۰۴۹ مورخ ۱۳۹۸/۶/۱۷ میزان تمیر مالیاتی به مبلغ ۱۱۰/۰۰۰ ریال باطل شد. ۴. فرم تفویض اختیار مدیریت به شماره ۳۱۸۴ مورخ ۱۳۹۸/۵/۷

ریاست محترم شورای حل اختلاف شهرستان ایلام

احتراما با تقدیم دادخواست و ضمانت پیوست آن به استحضار می‌رساند بانک قوامین جهت آقای علی مراد حاتمى به موجب قرارداد فروش اقساطی ضمیمه اقدام به پرداخت تسهیلات به ایشان نموده است و مقرر گردید که نامبرده اقساط خود را طی ۲۶ قسط متوالی هر ماه پرداخت نماید و در این راستا خوانندگان ضمانت تضامنی وی را جهت انجام تعهدات قرارداد تقبل نموده‌اند حال به لحاظ اینکه مدیون اصلی نسبت به ادای دین اقدامی معمول نداشته و ضامنین نیز علیرغم مراجعات مکرر از ایفای تعهدات خود امتناع نموده لذا با تقدیم این دادخواست مستندا به مفاد قرارداد وفق مقررات مواد ۴۰۳ و ۴۰۴ قانون تجارت و مواد ۱۹۸ و ۵۱۵ و ۵۱۹ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی تقاضای رسیدگی و صدور حکم بر محکومیت تضامنی خوانندگان به پرداخت اصل خواسته به مبلغ ۶۵/۱۸۰/۰۰۰ شصت و پنج میلیون و یکصد و هشتاد هزار ریال با احتساب خسارات تاخیر تادیه قراردادی به نرخ ۳۴ درصد و کلیه خسارات مستدعاست.